

## نقد و بررسی



# کارل مارکس و میلتون فریدمن بر سر یک سفره



○ ای. جی. دایوینی جونپور\*  
○ مترجم: مهدخت کرم پور

مشخصه تفکر سیاسی در اغلب دموکراسی‌های مرفه این است که ما بیشتر از آن که بدانیم چه می‌خواهیم، می‌دانیم که چه نمی‌خواهیم.

در دموکراتیک‌ترین کشورها، گرایش‌ها صرفاً به سوی حکومت‌های میانه رو و به ضلح‌حزب طرفدار بازار آزاد است. رای‌دهندگان به اقتصاد جهانی اعتماد نام ندارند و در برابر بی‌ثباتی‌های آن خواهان حمایت هستند، اما در اروپا نظر بر این است که برای پیروزی در انتخابات، احزاب چپ که وعده چنان حمایت‌هایی را می‌دهند باید اثبات کنند که با بازار مشکلی ندارند و اصول آن را پذیرفته‌اند.

نخست وزیر سوسیالیست فرانسه، لویژ ژوسپن با اعلام طرفداری از «اقتصاد بازار» و مخالفت با «جامه بازاری»، این حال و هوا را به خوبی فریاد زد. «ما خواهان نظام سرمایه‌داری هستیم اما می‌خواهیم که این نظام با سایر ارزش‌ها، از قبیل تساوی حقوق، اجتماعات صمیمانه و همدردی به ویژه برای تازه‌واردان تعدیل شود. اگر می‌خواهید بدانید تغییرات تا چه اندازه صورت گرفته است این گفته‌های رابرت هوبز، فیور حزب کمونیست فرانسه را که زمانی تندرو بود، در نظر بگیرید که هفته گذشته اعلام کرده است که «کمونیست‌ها دشمن بازار نیستند» و «کمونیست‌ها دیگر معتقد به مداخله دولت در همه امور نیستند». تصویر کیند کارل مارکس با میلون فریدمن بر سر یک سفره بنشینند.

فیلسوف اجتماعی آنتونی گیدنز این درگونی را در راه سوم کتاب مهم اخیر خود تشریح می‌کند. «دیگر کسی جایگزینی برای نظام سرمایه‌داری ندارد، بحث‌ها صرفاً بر سر این است که سرمایه‌داری تا کی و به چه طرقی باید اداره شود و نظم یابد».

او ادامه می‌دهد: «مطمئناً این گونه مباحث از اهمیت زیادی برخوردارند.» اما از پاسخی که به مخالفت‌های بنیادی گذشته قاصرند. این امر احتمالاً توضیح دهنده

برخی کم‌مایگی‌های سیاست معاصر است. بیوتیپاها و تفکهای کوبنده در مورد وضعیت‌های اجتماعی امروزین جالب توجهند، اما چرا باید احزاب مترقی و نامود کنند که دارای راه حل‌هایی هستند در حالی که فاقد آند؟ یا سعی در ساختن نظام‌هایی کنند که کارآمد نیستند.

نظریه راه سوم آشوبگر است. زیر به نظر می‌رسد زالیسی با احساس را ارائه می‌دهد. اما گیدنز، رئیس مدرسه اقتصاد لندن کسی که به نظر می‌رسد فیلسوف اجتماعی محبوب تونی بلر، نخست وزیر انگلیس است سعی دارد ثابت کند این راه سوم چیزی بیش از شعاری بازار بسند است.

گیدنز می‌گوید مشکل اصلی محافظه‌کاری معاصر، عدم انسجام در هسته اصلی عقاید آنهاست. «طرفداری این حزب از بازار آزاد از یک سو و خانواده سنتی و ملت از سوی دیگر، جلوی نوعی تناقض است» چرا؟ «فرض بر این است که «فردگرایی» و «انتخاب» در آستانه هویت خانوادگی و ملی جایی که سنت باید دست نخورده و بکر باقی بماند، یک پاره متوقف شوند. اما هیچ چیز بیشتر از «انقلاب ملایم» نیروهای بازار موجب انحلال سنت نیست».

گیدنز به مسئله و بررسی پرزده‌تر خطر (Risk) در مقابل امنیت واقف است. توضیح کلیشه‌ای این است که اگر حکومت در صدد تامین امنیت کافی برای شهروندان باشد، دیگر آنها درصدد خطر کردن بر نمی‌آیند. اما گیدنز از این امر آگاه است که اگر خواهان جامعه‌های خطری‌پذیر هستیم، نیازمندید که برخی از حمایت‌های اجتماعی را تامین کنید. او می‌نویسد [اگر می‌خواهید] شهروندان را ترغیب کنید تا «خطرتکنندای مسئول» باشند [باید این مسئله را در نظر بگیرید] که «هنگامی که اوضاع به وخامت می‌گراید مردم نیازمند حمایت هستند» «همچنین آنها به توانایی‌های مادی و اخلاقی نیازمندند تا بتوانند دوره‌های مهم گذار در زندگیشان را به خوبی پشت سر بگذرانند». به

○ the third way:  
the Renewal of Social Democracy  
○ Anthony Giddens  
○ Polity Press  
○ 1999



مارکس



فریدمن

همین دلیل است که هر حزبی در هر کشوری از آموزش صحبت می‌کند. می‌توان نتیجه گرفت که نباید دولت رفاه عامه را از میان برد بلکه باید به منظور تعهد منابع خطرپذیری، آن را در قالب دولت سرمایه‌گذار بازسازی کرد. دولت رفاه عامه مورد نظر گیدنز باید به شکل وسیعی با نهادهای مردمی مستقل از حکومت نیز همکاری کند. اما در مورد اقتصاد جهانی، نظر گیدنز بر آن است که گسترش این اقتصاد به گونه‌ای فزاینده و فعال از دسترس نظارت دولت‌های منفرد دور می‌شود. در آنچه او «اقتصاد جهانی سیاست زوده» می‌نامد، هیچ قاعده‌ای برای تثبیت «حقوق و تعهدات» وجود ندارد. تشخیص این حقوق و تعهدات و این که آیا می‌توان آنها را در وزای مرزهای ملی جاری ساخته یکی از مسائل سیاسی محوری زمان ماست.

قوی‌ترین انتقاد وارد بر راه سوم آن است که به نظر می‌رسد عملکرد متعادل‌کننده حساب شده این راه آن قدر خوب است که نمی‌تواند واقعیت داشته باشد. اجزای چپ میانه که در تلاشند کارایی‌های بازار را به گونه‌ای تنظیم کنند که از پس مسائل عدالت اجتماعی برآید در آزمایشگاه‌های سالم و بهداشتی مشغول فعالیت هستند. در سیاست دموکراسی‌ها، منافع و شور و هیجان‌ت‌مناخه می‌کنند.

این موضوع در نبرد میان صدراعظم سوسیال دموکرات میانه روی آلمان گره‌دار شرودر و وزیر دارایی چپ‌گرای او اسکلز لافونتن خود را نشان می‌دهد. لافونتن

دربارۀ «راه سوم»

فرانکو هالتریش کاردوزو، رئیس جمهور برزیل

«امروز تلاش جهانی برای دستیابی به ارزش‌های پیشرو از طریق شیوه‌های نوین وجود دارد. در این میان بحث درباره راه سوم برای علم سیاست در قرن بیست و یکم ضروری است و این کتاب ابزار مناسبی برای این بحث به‌شمار می‌رود.»

تونی پلو، نخست‌وزیر انگلستان

«امروز برهه‌ای حساس برای جامعه اروپاست. ما نیازمند اندیشه‌های جدید درباره دموکراسی و توسعه اقتصادی هستیم و تونی گیدنز راهکارهای اصلی برای رسیدن به این اهداف را در اختیار ما می‌گذارد.»

رومانو پرودی، رئیس جامعه اروپا

«بحث راه سوم به بحثی کاملاً جهانی تبدیل شده است که کلیه کشورها را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. این بحث نشان از همگرایی اندیشه‌ها یا سیاست‌های مختلف دارد. در واقع، این کتاب نمایانگر بشرقت عمده‌ای در تکامل چپ در آینده است.»

۵۰۰ هزار نسخه در جهان فروخته شده و به ۲۵ زبان ترجمه شده است.

مشخصه تفکر سیاسی

در اغلب دموکراسی‌های مرفه این است که ما بیشتر از آن که بدانیم چه می‌خواهیم، می‌دانیم که چه نمی‌خواهیم

گیدنز می‌گوید مشکل اصلی محافظه‌کاری معاصر، عدم انسجام در هسته اصلی عقاید آنها است

با اعتراض می‌گوید: «حساس را هنوز نمی‌توان در بازار بورس به خرید و فروش گذاشت» و از کارکنان‌گیری می‌کند اما جایی که لافونتن تیش دلی را می‌تپد تجارت آلمان نوعی سرطلن در حال رشد را می‌بیند که دولت‌گرایی نام دارد. روزنامه پاریسی لوموند بطور شیفت‌آمیزی می‌نویسد: که بر اثر «صاف» محض بوده است که درست در لحظه‌ای که لافونتن استعفا داد آنتونی گیدنز برای چاپ نسخه آلمانی راه سوم - راهی که در آن شرودر چهره‌ای محبوب و دوست داشتنی است - وارد بین شد. یافتن «راه سوم» به زخمش می‌آزد و گیدنز تلاش صادقانه‌ای می‌کند تا نقشه آن را برای ما ترسیم کند. اما همان طور که مناقشات دولت جدید آلمان نشان می‌دهد این راه هنوز در دست احداث است.

\* E. J. Dionne jr.

منبع مقاله:

Commonweat, New York, Apr. 9, 1999